

نقش روشنفکران در تاریخ معاصر ایران

جلد اول، شامل:

- میرزا ملکم خان
- میرزا فتحعلی آخوندزاده
- میرزا حسین خان سپهسالار
- میرزا عبدالرحیم طالبوف
- میرزا یوسف خان مستشارالدوله
- میرزا آقاخان کرمانی
- محمدعلی فروغی
- سیدحسن تقی‌زاده

مؤسسه فرهنگی قدر ولایت

عنوان و نام بنیادآور	نقش روشنفکران در تاریخ معاصر ایران/مؤلف موسسه فرهنگی قدرولایت.
مشخصات نشر	تهران: موسسه فرهنگی قدرولایت، ۱۳۸۷ -
مشخصات ظاهری	ج: تموم، جدول، نمودار.
سازک	978-964-495-059-9
وضعیت فهرست نویسی	فبا
بازداداست	کتابنامه.
یادداشت	نماینه.
مدرجات	ج: ۱. میرزا ملکم خان، میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا حسن خان سپهسالار، میرزا عبدالرحیم طالبوف، میرزا یوسفخان مستشارالدوله، میرزا آقاخان کرمانی، محمدعلی فروغی، سیدحسن نقی زاده، - روشنفکران -- ایران -- تاریخ.
موضوع	موسسه فرهنگی قدرولایت.
شناسه افزوده	HMVT/UV ۱۳۸۷
رده بندی کنگره	۳۰۵/۵۵۲۰۹۵۵
رده بندی دیویی	۱۵۲۰۹۵۴
شماره کتابشناسی ملی	

نقش روشنفکران در تاریخ معاصر ایران

جلد اول

موسسه فرهنگی قدرولایت

گردآوری و تنظیم: موسسه فرهنگی هنری قدرولایت	
ناشر: موسسه فرهنگی هنری قدرولایت	
نوبت چاپ: سوم ۱۴۰۲	
شمارگان: ۲۰۰ جلد	
حروفچینی: ظریفیان	
لیتوگرافی: نیما	
چاپخانه: قدرولایت	
صحافی: قدرولایت	
قیمت شمیز: ۲۰۰۰۰۰ تومان	قیمت گالینگور: ۲۲۰۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۵-۰۵۹-۹	ISBN: 978-964-495-059-9
شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۵-۰۷۴-۲	ISBN: 978-964-495-074-2
تلفن: ۶۶۴۶۹۹۵۸ - ۶۶۴۱۱۱۵۱	www.ghadr110.ir
کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است	

این کتاب با کاغذ حمایتی چاپ شده است

فهرست مندرجات

۱۵	 پیشگفتار
۱۹	 فرهنگ و گستره آن
۲۱	 معنا و تفاوت‌های تهاجم و تبادل فرهنگی
۲۲	 روشنفکران و تهاجم فرهنگی
۲۴	 عملکرد روشنفکران در مخالفت با دین و حضور آن در متن جامعه
۳۴	 ملت‌ها چراغ راه روشنفکران!
۳۵	 باید در مقابل این‌ها تهاجمی عمل کرد
۳۵	 امید و انتظار از روشنفکران صادق و دلسوز
۴۰	 ما در این مجموعه به دنبال چه هستیم؟

میرزا ملکم خان «ناظم الدوله»

فصل اوّل

۴۵	 زندگینامه
----	-----------------

فصل دوم

۵۳	 سیر و اصول تفکر میرزا ملکم خان
۵۴	 شاخصه‌های تفکر میرزا ملکم
۵۴	 ۱ - غرب‌باوری
۵۶	 ۲ - دین‌گریزی و علم‌زدگی
۶۲	 ۳ - اصلاح طلبی در اسلام
۶۹	 ۴ - تغییر خط اسلام

- ۵- بنیانگذاری مرام ماسونی ۷۲
- ۶- اصول ترقی و توسعه ۷۹

فصل سوم

- فعالیتها و اقدامات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی میرزاملکم ۸۷
- ۱- تأسیس فراموشخانه و مجمع آدمیت ۸۷
- تاریخچه فراماسونری ۸۷
- اهداف فراماسونری ۸۸
- فراماسونری در ایران ۹۰
- نخستین فراماسونهای ایران ۹۰
- هدف از تشکیل فراموشخانه ۹۲
- میرزا محمد صالح شیرازی ۹۳
- مجمع آدمیت ۱۰۱
- ۲- نقش در مشروطیت ۱۱۰
- ۳- نقش در قراردادهای واگذاری امتیازات به بیگانگان ۱۱۱
- امتیاز روپتر ۱۱۱
- امتیاز کشتیرانی در رود کارون ۱۱۴
- امتیاز لاتاری ۱۱۵
- ۴- انتشار روزنامه قانون ۱۲۱
- چگونگی اعطاء القاب و نشان به میرزا ملکم ۱۲۸

میرزا فتحعلی آخوندزاده

فصل اول

- زندگینامه ۱۳۷

فصل دوم

تحولات فکری و شکل‌گیری عقاید آخوندزاده	۱۴۳
--	-----

فصل سوم

عقاید و آثار فتحعلی آخوندزاده	۱۵۱
۱- مذهب و نقش آن در زندگی	۱۵۱
۲- لزوم تغییر خط در بلاد اسلامی	۱۵۶
سیر اندیشه تغییر خط در آخوندزاده	۱۵۸
۳- تصنیفات	۱۷۰
ضمیمه یک: بیاباغرافیا یعنی سرگذشت کولونیل میرزا فتحعلی آخوندوف	۱۸۵
ضمیمه دو: اسامی روزنامه‌های مدارس تأسیس شده در سلطنت مظفرالدین شاه	۱۹۱

میرزا حسین خان فزونی (سپهسالار)

فصل اول

زندگینامه میرزا حسین خان سپهسالار	۱۹۹
---	-----

فصل دوم

شکل‌گیری تفکر و شخصیت سپهسالار	۲۱۱
در حلقه درس میرزا جعفر خان	۲۱۱
تحصیل در فرانسه	۲۱۲
در خدمت آقاخان محلاتی	۲۱۲
سپهسالار و دوستی با آخوندزاده	۲۱۵
میرزا حسین خان در عثمانی عهد تنظیمات	۲۱۹
نجات میرزا ملکم خان و آغاز دوستی دیرپا	۲۲۳
سپهسالار و جلال‌الدین میرزای قاجار	۲۲۷
سپهسالار و میرزا یوسف خان مستشارالدوله	۲۲۷

- ۲۲۹ سپهسالار و میرزا صفا
- ۲۳۲ سپهسالار و لرد لایارد

فصل سوم

- ۲۳۷ اقدامات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی میرزا حسین خان سپهسالار
- ۲۳۸ کارنامه فرهنگی سپهسالار
- ۲۳۸ سپهسالار و تغییر در آداب و رسوم
- ۲۴۰ پایه گذاری نهادهای جامعه براساس ناسیونالیسم و لیبرالیسم
- ۲۴۸ سپهسالار و مطبوعات
- ۲۵۰ روزنامه نظامی و اغراض نفسانی!
- ۲۵۱ روزنامه وقایع عدلیه و اهداف آن
- ۲۵۴ کارنامه سیاسی سپهسالار
- ۲۵۴ بردن ناصرالدین شاه به سفر فرنگ
- ۲۶۰ قبول حکمیت گلداسمید توسط سپهسالار
- ۲۶۲ ادعای استقلال کلات
- ۲۶۶ تعیین حدود سرحدی سیستان
- ۲۶۹ گذشتن از حقوق ایران در ماوراء خزر
- ۲۷۰ کارنامه نظامی سپهسالار
- ۲۷۰ سپهسالار اعظم و قشون ایران
- ۲۷۸ کارنامه قضایی سپهسالار
- ۲۷۸ وزارت عدلیه و محدود کردن محاکم شرع
- ۲۸۲ کارنامه اقتصادی سپهسالار
- ۲۸۲ قرارداد روبتر
- ۲۸۵ عوامل انعقاد این قرارداد
- ۲۸۸ عوامل لغو قرارداد روبتر
- ۲۹۲ قرارداد امتیاز ژنرال فالکن هاگن
- ۲۹۳ وضع مالیات در عهد سپهسالار

بانک و مالیه در عهد سپهسالار	۲۹۴
سپهسالار و روحانیت	۲۹۵
پیوست یک: مکاتبات میرزا حسین خان از عثمانی به دربار ایران و تشویق آنان به باغ سبز غرب	۳۰۵
پیوست دو: راز ارتقاء سپهسالار از سفارت به صدارت	۳۱۰
پیوست سه: متن قرارداد رویتتر	۳۲۱

میرزا عبدالرحیم طالب زاده تبریزی (طالبوف)

فصل اول

زندگینامه	۳۳۵
-----------------	-----

فصل دوم

شخصیت، افکار و اندیشه‌های طالبوف	۳۳۹
نظرات طالبوف راجع به قانون و آزادی	۳۴۱
طالبوف و دفاع و حمایت او از مشروطه، انگلیس و دول اروپایی	۳۴۸
شاهدوستی طالبوف! و همراهی او با امتیازدهی شاهان به بیگانگان	۳۵۴
طالبوف و خط و زبان فارسی	۳۵۷
طالبوف و اسلام و روحانیت	۳۶۳

میرزا یوسف خان مستشارالدوله

فصل اول

زندگینامه	۳۷۵
-----------------	-----

فصل دوم

شخصیت و افکار میرزا یوسف خان مستشارالدوله	۳۷۹
ردیابی شخصیت میرزا یوسف خان در لیبرالیسم غربی	۳۷۹
شکل‌گیری شخصیت میرزا یوسف خان در حشر و نشر یا مجذوبان فرهنگ غرب	۳۸۱

۳۸۲	کتاب «یک کلمه»، ملاک اندیشه‌های میرزا یوسف‌خان
۳۹۰	راه‌آهن، راه علاج اوضاع ایران!
۳۹۱	ترغیب مهاجرت غربیها به ایران!
۳۹۳	عضویت در شبکه فراماسونری

میرزا آقاخان کرمانی

فصل اول

۳۹۹	زندگی‌نامه میرزا آقاخان کرمانی
-----	--------------------------------

فصل دوم

۴۰۷	شکل‌گیری شخصیت فکری میرزا آقاخان کرمانی
۴۰۷	۱- خانواده
۴۰۹	۲- اساتید و دوستان
۴۱۵	۳- محیط خارج از کشور

فصل سوم

۴۱۹	اصول و فعالیت‌های فکری و سیاسی آقاخان کرمانی
۴۱۹	نوشتارهای آقاخان کرمانی
۴۲۵	اصول اندیشه‌های آقاخان
۴۲۵	۱- روی آوردن به تعقل اروپایی و تمدن مادی غرب
۴۳۱	۲- نحوه نگرش به دین و اسلام و عقاید اسلامی
۴۳۱	نظر آقاخان دربارهٔ منشأ دین
۴۳۴	نظر آقاخان دربارهٔ اسلام
۴۴۰	نظر آقاخان دربارهٔ احکام اسلامی
۴۴۰	در مورد حجاب
۴۴۱	در مورد تعدد زوجات
۴۴۲	در مورد بزرگداشت گذشتگان و دفن آنها و زیارت قبور بزرگان

۴۴۳	نظر آقا خان دربارهٔ عزاداری سید مظلومان
۴۴۳	نظر آقاخان درباره علماء و دانشمندان اسلامی
۴۴۴	نظر آقاخان دربارهٔ تقیه
۴۴۸	۳- ناسیونالیسم ایرانی
۴۵۴	ارتباطات و فعالیتهای سیاسی آقاخان کرمانی
۴۵۴	ارتباط با «جامع آدمیت»
۴۵۵	پیوستن به «انجمن اتحاد اسلام»
۴۵۷	ارتباط با فرقهٔ «ترکان جوان»
۴۵۸	ارتباط و دوستی با ملکم خان و همکاری با روزنامهٔ «قانون»
۴۶۲	ارتباط با براون و هوار
۴۶۳	همکاری با روزنامهٔ اختر

محمدعلی فروغی «ذکاء الملك»

فصل اول

۴۶۹	زندگینامه
-----	-----------

فصل دوم

۴۷۵	کارنامهٔ فرهنگی محمدعلی فروغی
۴۷۸	۱- برگزاری جشن هزارهٔ فردوسی و کنگرهٔ مستشرقان در تهران
۴۷۹	۲- تحریف عرفان اصیل اسلامی
۴۸۰	۳- تأسیس دانشگاه تهران
۴۸۱	۴- فرهنگستان زبان

فصل سوم

۴۸۳	کارنامهٔ سیاسی محمدعلی فروغی
۴۸۵	۱- فروغی، اولین رئیس الوزرای رضاشاه
۴۸۶	۲- استعفا و عزیمت به اروپا

۴۸۷	۳- قتل‌های سیاسی
۴۹۰	۴- فراهم کردن مقدمات سفر رضاشاه به ترکیه
۴۹۲	سوغات بازگشت از ترکیه
۴۹۴	۵- واقعه شهریور ۱۳۲۰ و انتقال قدرت از رضاخان به محمدرضا
۵۰۴	ضمیمه یک: تعیین خط باستان‌گرایی
۵۱۰	ضمیمه دو: استعفانامه رضاشاه
۵۱۱	ضمیمه سه: اوج تملق‌گویی فروغی
۵۱۲	ضمیمه چهار: نحوه پایه‌گذاری مدرسه علوم سیاسی
۵۱۵	ضمیمه پنج: هدف از «باستان‌گرایی» فروغی

سید حسن تقی‌زاده

فصل اول

۵۱۹	زندگینامه
-----	-----------

فصل دوم

۵۳۳	شکل‌گیری شخصیت فکری تقی‌زاده
۵۳۳	فرار از دین
۵۳۴	خلاصه‌ای از عقاید شیخیه و رهبر آن

فصل سوم

۵۴۵	فعالیت‌های سیاسی تقی‌زاده
۵۴۵	مبارزات مشروطه
۵۵۹	پناهندگی به سفارت اجنبی
۵۶۱	اعتماد و اعتقاد به انگلیس
۵۶۸	روابط تقی‌زاده با ادوارد براون

نقش تقی‌زاده در هیأت مدیره مشروطه در اعدام شیخ فضل‌الله نوری	۵۷۴
تقی‌زاده و مجلس دوم	۵۸۱
نکاتی چند درباره فساد مسلک سیاسی تقی‌زاده	۵۹۴
نامه تقی‌زاده از تبریز به یکی از دمکراتها	۶۰۵
فعالتهای سیاسی تقی‌زاده در دوران اقامت در اروپا، بعد از فرار از ایران	۶۱۰
۱- همکاری مستقیم با انگلیسیها	۶۱۱
۲- کمیته برلن	۶۱۱
۳- انتشار مقالات و روزنامه	۶۱۶
۵- وضعیت تقی‌زاده در ارتباط با علیقلی خان (بهائی)	۶۱۸
۵- ارتباط تقی‌زاده با ژون ترکها	۶۲۲
۶- ارتباط با جرج براندس	۶۲۵
دوره بازگشت به ایران و همکاری با رژیم استبدادی رضاخان	۶۲۶
تجدید قرارداد امتیاز نفت	۶۳۰
ماجرای مغضوب واقع شدن تقی‌زاده	۶۳۳
فعالتهای تقی‌زاده در دوران پادشاهی محمدرضا	۶۴۴
سفارت شاهنشاهی ایران	۶۴۵
گزارش تقی‌زاده	۶۴۵
تقی‌زاده و فراماسونری	۶۴۸
ضمیمه یک: ادوارد براون؛ پدر روشنفکری ایران!!	۶۶۳
فهرست منابع	۶۷۵
فهرست اعلام	۶۷۹

پیشگفتار

«تاریخ، معلّم انسانهاست» حضرت امام خمینی ره

یکی از عوامل مهم تکامل فردی و اجتماعی، عبرت گرفتن از حوادث کوچک و بزرگ است که پیرامون هر انسان و اجتماعی رخ می‌دهد. آنچه در شرف تکوین است یا در گذشته دامن انسانها و ملت‌هایی را گرفته است، همواره بستر آزمایش‌های بشری است که عقول مردم دانا و ملت‌های توانا، به آنها توجه و درس لازم را می‌گیرند. «وَفِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ»^(۱)

«تاریخ» چیزی جز آنچه در ملت‌ها در زمانهای دور یا نزدیک رخ می‌دهد، نیست و به خاطر این که می‌تواند در بیداری ملت‌ها تأثیر داشته باشد، حائز اهمیت زیادی است و همین اهمیت، سبب شده است تا قدرتهای حیله‌گر و سلطه‌طلب، به وسیله قلم به دستان مزدور، تلاش نمایند که تاریخ را در مسیر منافع خود بنگارند تا از تأثیر آن در بیداری مردم جلوگیری کنند.

آنچه حضرت امام ره در حکم مبارک خود به «حجّت الاسلام سید حمید روحانی» برای نگاشتن تاریخ انقلاب اسلامی، پیش از دخل و تصرف‌هایی که ممکن است بشود، آورده است، ناظر بر همین معناست:

«امروز هم چون همیشه تاریخ انقلابها، عده‌ای به نوشتن تاریخ پرافتخار انقلاب اسلامی مشغولند که سر در آخور غرب و شرق دارند.»^(۲)

«اکثر مورّخین، تاریخ را آن گونه که مایلند و یا بدان گونه که دستور گرفته‌اند، می‌نویسند، نه آن گونه که اتفاق افتاده است.»^(۳)

بنابراین معلّم بزرگ انسانها - تاریخ - در بستر نگارش، بسیار تحریف شده است که باید انسانهای شریف و آزاده، به پالایش آنها همت گمارند.

۱- سوره یوسف: آیه ۱۱۱.

۲- صحیفه نور، جلد ۲۱، صفحه ۷۴.

۳- همان.

«ما نمی‌توانیم بگوئیم که در طول تاریخ ایران، روشنفکر نداشته‌ایم، همیشه و در همه عصرها و دورانها روشنفکرهایی بوده‌اند که جلوتر از زمان می‌اندیشیدند و حرکت می‌کردند؛ اما زمانی که غرب مسلط به تکنولوژی و علم، خواست در ایران پایگاه تسلط خود را مستحکم بکند، از راه روشنفکری وارد شد. از طریق عناصر خود فروخته‌ای مثل «میرزا ملکم خان» ها و «تقی‌زاده» ها اقدام کرد. جریان روشنفکری در ایران، از دوران قاجار به بعد، بیمار و وابسته متولد شد. متأسفانه چند نفری هم که آدمهای سالم و خالصی بودند، بین آنها گم شدند. این جریان از ابتدا وابسته بود. بعضی از آنها وابسته به روسیه بودند؛ مثل «میرزا فتحعلی آخوندزاده» و بعضی دیگر وابسته به اروپا و غرب مثل میرزا ملکم خان و امثال او...»^(۱)

البته استعمارگران شرق و غرب، تنها از راه تربیت روشنفکران وابسته نمی‌توانستند استیلای خود را بر کشورها و منابع آنان تأمین کنند؛ بلکه افراد قلدر و بی‌سواد را نیاز داشتند که بتوانند قدرت آنان را همراه با فکر و اندیشه روشنفکران تربیت شده، در خدمت خود بگیرند. آنان در انجام این مقصود، در ترکیه، «آتاتورک» را واجد این ویژگیها یافته و بر سرکار آوردند و در ایران «رضاخان میرپنج» را مطلوب نظر خود یافته و در برابر مسند قدرت نشاندند. مقام معظم رهبری می‌فرماید:

«این کارها (گماردن روشنفکران وابسته) قبلاً در داخل ایران شده بود؛ ولی اثر چندانی نداشت. کسی که در آن روز بزرگترین قدم را به نفع فرهنگ غرب و در حقیقت به نفع سلطه غرب و استعمار انگلیس بر ایران برداشت، رضاخان بود.»^(۲)

روشنفکران وابسته، با تشکیل انجمنها و مجامع مخفی و آشکار، انتشار روزنامه‌ها و مجلات متعدد، نشر کتابهای گوناگون در جهت اشاعه فرهنگ دلخواه غرب و شرق در میان مردم، وارد شدن در دستگاه سیاست و قدرت تحت عناوین رئیس‌الوزراء، وزیران کابینه و امثال آنها و ارائه و تحمیل نظریات خود بر پادشاهان نادان، سگان جامعه را به سوی آنچه غرب و شرق می‌خواستند، به گردش در آوردند.

۱- رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با وزیر، معاونین و رؤسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور،

به تاریخ ۱۳۷۱/۵/۲۱.

۲- همان.

یکی از بزرگترین و فلج‌کننده‌ترین بیماری روشنفکران در این عصر، وابستگی شدید آنان به غرب و در مواردی به شرق می‌باشد. این وابستگی شدید، از ناحیهٔ مرعوب شدن آنان در برابر پیشرفتهای فنی و علمی غرب و نظم و انضباط ظاهری حاکم بر جوامع آنان ناشی می‌شود، لذا تمامی آنان معتقد بودند که ایران برای رسیدن به دروازه‌های تمدن، باید از همان راهی برود که غرب رفته است و این اعتقاد، بزرگترین فرصت را برای تهاجم فرهنگی، در اختیار غرب قرار داد.

فرهنگ و گسترهٔ آن

فرهنگ بار مفهومی وسیعی دارد و به نظر می‌رسد کلیهٔ عادات، اخلاق، ملکات و باورها و ابزارهایی که در آنها مؤثرند، در مقوله فرهنگ جای گرفته و تعریف شوند. زبان و ادبیات، هنر با تمام ابعاد آن، آداب و رسوم، تعلقات، باورها و اندیشه‌های سیاسی و دینی در مقوله فرهنگ می‌گنجند. ابزارهایی چون مطبوعات، کتب، صدا و سیما، فیلم، تئاتر، شعر، موسیقی و... نیز همگی به خاطر تأثیرگذاری عمیق در مقوله‌های فرهنگی، که فوقاً به آنها اشاره شد، از نظر سازمان و وظایف جزء قلمرو فرهنگ محسوب می‌شوند.

لذا فرهنگ یک گسترهٔ وسیعی پیدا می‌کند که با تمام زوایای زندگی یک ملت ارتباط می‌یابد. برنامه‌ریزی فرهنگی به تبع خود فرهنگ بایستی یک برنامهٔ جامع و فراگیر باشد، چنانچه تهاجم فرهنگی نیز گسترده، پیچیده و تمام ابعاد زندگی ملت را دربرمی‌گیرد.

چیزهایی که بظاهر ساده به نظر می‌رسند، مثل خوردن، لباس پوشیدن، حرف زدن، خانه ساختن، نام‌گذاریها، معاشرت، سلام علیک و دوستیها، دشمنیها و... همگی کم یا زیاد، در زمان طولانی یا کوتاه در فرهنگ جامعه جای خود را دارند و بایستی مورد توجه قرار گیرند.

با عنایت به گسترهٔ فرهنگ، به اهمیت آن و جایگاه ارزشمند آن در تعالی یا سقوط ملت‌ها پی‌می‌بریم. اگر انقلاب اسلامی، یک انقلاب فرهنگی خوانده می‌شود، به واسطه تحول عمیق و شگرفی است که در تمام پهنهٔ گسترده فرهنگ مردم به وجود آورده است و اگر دشمنان این انقلاب، با ابزارهای پیچیده دست به یک آرایش فرهنگی برای تهاجم به ارزشهای این ملت می‌زنند به خاطر همین جایگاه ویژه است. هر ملتی دارای ذخیره‌های فرهنگی است که نسبت به عمق و فراگیری و قدمت آن، موجب قوام ملی و پیوستگی افراد و نسل‌های یک ملت با هم و با گذشتهٔ خویش می‌شود. این ذخیره‌ها که حاصل سالیان رنج و تلاش و فرازونشیب‌های ملت است،

گرانبهترین چیز نزد آن ملت و دشمن اوست. ملت به واسطه قوامی که می‌یابد و پیوندی که با خویش و گذشته‌اش برقرار می‌سازد، عزیزش می‌دارد و دشمن به این سبب که با دست یافتن به این کلید، دروازه‌های سیاست و اقتصاد آن ملت را به روی خود می‌گشاید و عمق جبهه و عقبه ملت را مورد تهدید قرار داده و در اختیار خود می‌گیرد، مهم‌اش می‌شمارد. اولی برای حفظ آن و دومی برای ربودنش، و این همه به واسطه همان مفهوم وسیع فرهنگ و تأثیر شگرف آن در قوام یا سستی ملت‌هاست.

«اگرچه خود علم هم جزو شاخه‌های فرهنگ است، اما فرهنگ به معنای خاص برای یک ملت عبارت از ذهنیات و اندیشه‌ها و ایمانها و باورها و سنتها و آداب و ذخیره‌های فکری و ذهنی است.»^(۱)

در اهمیت فرهنگ و نقش آن در استقلال و هویت و موجودیت جامعه و علت تهاجم دشمن به آن، جمله‌ای از بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی ره، گویای بحث و مکمل آن است:

«بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ هر چند جامعه در بُعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد، ولی پوچ و پوک و میان‌تهی است. اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتزق از فرهنگ مخالف باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه، به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد. استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگ آن نشأت می‌گیرد و ساده‌اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی، استقلال در سایر ابعاد دیگر یا یکی از آنها امکان‌پذیر است. بی‌جهت و بی‌باب اتفاق نیست که هدف اصلی استعمارگران - که در رأس تمام اهداف آنان است - هجوم به فرهنگ جوامع زیرسلطه است. اتفاقی نیست که مراکز تعلیم و تربیت کشورها و از جمله کشور ایران از دبستان تا دانشگاه مورد تاخت و تاز استعمارگران خصوصاً غریبها و اخیراً آمریکا و شوروی قرار گرفت و زبانها و

قلمهای غرب‌زدگان و شرق‌زدگان، آگاهانه یا ناآگاه، و اساتید غرب‌زده و شرق‌زده دانشگاهها در طول مدت تأسیس دانشگاهها و خصوصاً دهه‌های اخیر، این خدمت بزرگ را برای غرب و شرق انجام دادند. هر چند در بین ارباب قلم و زبان و اساتید، اشخاص متعدّد و متوجّهی بودند و هستند که برخلاف آن مسیر بودند و می‌باشند، لکن مع‌الاسف در اقلیت چشمگیر بودند»^(۱).

معنا و تفاوتهای تهاجم و تبادل فرهنگی

«تهاجم فرهنگی به این معنی است که یک مجموعهٔ سیاسی یا اقتصادی برای اجرای مقاصد خاصّ خود و اسارت یک ملت، به بنیانهای فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد. در این هجوم باورهای تازه‌ای را به زور و به قصد جایگزینی با فرهنگ و باورهای ملی آن ملت وارد کشور می‌کنند»^(۲).

«در تبادل فرهنگی هدف بارور کردن و کامل کردن فرهنگ ملی است... در تبادل فرهنگی، ملت گیرنده، نقاط درست و چیزهایی که فرهنگ او را کامل می‌کند، تعلیم می‌گیرد. مثل یک انسانی که ضعیف است و دنبال غذا یا دوا می‌گردد تا آن را مصرف کند و سالم بشود»^(۳).

با توجّه به معنای تهاجم و تبادل فرهنگی، وجه تمایز و تفاوت آنها روشن می‌شود. اما به‌خاطر اهمیت مسأله به اختصار تفاوتها را بر می‌شماریم:

- در تبادل فرهنگی، هدف بارور کردن و کامل کردن فرهنگ ملی است، ولی در تهاجم فرهنگی هدف ریشه کن کردن و از بین بردن فرهنگ ملی توسط فرهنگ مهاجم است.

- در تبادل فرهنگی، ملت گیرنده فرهنگ چیزهای مطبوع و دلنشین و خوب و مورد علاقه را می‌گیرد. یعنی فرصت و حق انتخاب را دارد. اما در تهاجم فرهنگی چیزهایی را به ملت مورد تهاجم می‌دهند که خوب نیست و بد است و آن ملت حق انتخاب را ندارد.

- تبادل فرهنگی از طرف ملت‌هاست، اما تهاجم فرهنگی از طرف دشمن انجام می‌شود.

- تبادل فرهنگی هنگام قوت و توانایی یک ملت انجام می‌گیرد، ولی تهاجم فرهنگی در روزگار

۱- صحیفه نور، جلد ۱۵، صفحه ۱۶۰.

۲- رهبر معظم انقلاب اسلامی، فرهنگ و تهاجم فرهنگی، صفحه ۳.

۳- همان، صفحه ۲۰.